



پول مثلی است یا قیمی؟

(۱) طیبه احمدی، (۲) عبدالله بهمن پوری، (۳) میلاد جمالی

کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه یاسوج. (۲) دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق استادیار

دانشگاه یاسوج. (۳) کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد یاسوج

چکیده

مفهوم مثلی و قیمی دو عنوان بسیار مهم در فقه و حقوق به شمار می‌رود هر چند از ناحیه شرع بیان نشده‌اند و بر اساس مبانی تعاریف فقها و قانون مدنی تعاریفی صورت گرفته است. مثلی و قیمی در اثر گذشت زمان و مکان تغییر پیدا می‌کند و تشخیص مثلی و قیمی بودن براساس عرف می‌باشد. یکی از مواردی که بحث مثلی و قیمی بودن در آن مطرح است ثمن (پول) است. هر چیزی که بهای کالاها یا خدمات قرار گیرد، ثمن (پول) شمرده می‌شود. پول که بر اثر گذشت زمان ماهیتی چندگانه پیدا کرده و فقها را برای شناخت پول و ماهیت آن با مشکلاتی روبه‌رو کرده است. با توجه به دگرگونی ماهیت پول، این سوال مطرح می‌شود که ماهیت پول‌های امروزی چگونه است؟ مثلی است یا قیمی؟ در پاسخ به این سوال چند نظریه وجود دارد. برخی معتقد هستند که پول قیمی است، برخی معتقدند که پول هم قیمی و هم مثلی است، برخی دیگر معتقدند که پول نه قیمی است و نه مثلی. و نظریه صحیح‌تر، نظریه مثلی بودن پول است که این گروه بر این عقیده هستند که پول به حسب قدرت خرید و ارزش اسمی آن مثلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: ثمن (پول)، تاریخچه، مثلی، قیمی، فقها

مقدمه

اموال مثلی و قیمی از مباحث بسیار مهم در فقه، حقوق و اقتصاد اسلامی می‌باشد که در قانون مدنی در موارد عدیده‌ای مخصوصاً در مبحث غصب و تسبیب و اتلاف کلمه مثلی و قیمی استعمال شده است. اموال مثلی و قیمی در هر دوره‌ای فرق می‌کنند، برخی کالاها روزگاری مثلی بوده‌اند، اما امروزه قیمی هستند و بر عکس. به همین دلیل، اندکی برداشت متفاوت از مفهوم این دو عنوان، موجب تفاوت اساسی در تطبیق هر یک از آن دو بر اموالی هم‌چون گندم، گوسفند، ماشین، و... خواهد شد.

از مقوله‌های نوپیدا و مسأله آفرین در حوزه اقتصاد و سیستم معیشتی مردم، گزاره پول است. پول در همه زوایای زندگی فردی و اجتماعی انسان امروز، نفوذ کرده و کارکرد و نقش بسیار پیچیده و گسترده‌ای به خود گرفته است. امروز دیگر پول، وسیله مبادله، آن هم با تلقی گذشته، نیست. نقش آن در معیار ارزش، وسیله ذخیره ارزش، تهییج‌گر متغیرهای اقتصادی مانند سطح



تولیدات، فعالیت‌های اقتصادی و روش توزیع، خلاصه نمی‌شود، بلکه پول، ابزار سلطه سیاسی و عامل توسعه اقتصادی است و باعث تحرک، و یا رکود جامعه. پول و سیاست‌های پولی درست، ابزار کارآیی برای کنترل تورم و تحرک و جنبش اقتصادی است. افزایش حجم آن تورم‌آور است و تقلیل آن عامل رکود و ایستایی. پول بر اساس کارکردهای خود، تقسیم‌هایی پیدا کرده و عناوین گوناگونی یافته است، مانند، پول تحریری، پول فلزی، پول کاغذی، پول ثابت، پول بی‌طرف، پول موج، پول سوزان، پول بانکی و عالمان شریعت که وظیفه روشنگری احکام اسلامی را عهده دارند، نمی‌توانند این همه را نادیده انگارند و از کنار آن بگذرند؛ زیرا گزینش هر کدام از این دیدگاهها، پرسشهای خاص خود را فرا روی فقیه، خواهد گشود در این مقاله یکی از موارد پول که بحث مثلی یا قیمی بودن است را مورد پژوهش قرار می‌دهیم.

ثمن (پول)

ثمن چیزی است که بایع در مقابل بیع آن را دریافت می‌کند خواه عین باشد یا کالا (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص: ۱۷۷؛ عبدالرحمان، بی تا، ج ۱، ص: ۵۰۹) و ابوحیب سعدی همین نظر را دارد به علاوه رضایت داشتن را شرط می‌کند (سعدی، ۱۴۰۸، ص: ۵۲) معنای دیگر ثمن جزء است یعنی یک هشتم از اجزاء شی که قابل تقسیم می‌باشد (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص: ۹۷؛ صدر، ۱۴۲۰، ج ۸، ص: ۴۹۵) و اما نظر دیگری وجود دارد که می‌گوید: ثمن بدلی است برای مبیع و به ذمه شخص تعلق می‌گیرد (نجفی، ۱۳۵۹، ج ۱، ص: ۱۳۷). بنابراین چنین به نظر می‌آید ثمن چیزی است که در معامله بیع، در مقابل چیزی که فروخته می‌شود آن را می‌گیرد.

ثمن (پول) در قرآن و روایات

در قرآن آیاتی وجود دارد که به معنای بهای کم که همان ثمن است می‌باشد و نمونه‌ای از آن آیات را ذکر می‌کنیم: «و سرانجام) او را به بهای کمی - چند درهم - فروختند و نسبت به (فروختن) او، بی رغبت بودند (چرا که می‌ترسیدند رازشان فاش شود)» (یوسف/۲۰)؛ و آیه دیگری: «مسلماً کسانی که در مقابل (نقض) پیمان و سوگندهای خود (پیمان پذیرفتن دین و سوگند بر یاری حق) بهای اندکی به دست می‌آورند (ریاست و مالی می‌یابند) آن‌ها را در آخرت بهره‌ای نیست و خدا با آنان سخن نمی‌گوید و در روز قیامت به آنان نظر (رحمت) نمی‌افکند و آن‌ها را پاک نمی‌گرداند و برای آنان عذابی دردناک خواهد بود. «ثمناً قليلاً» بهای پیمان شکنی هر چه باشد، کم است» (آل عمران/۷۷). و همچنین این آیه: «و عهد خدا را به

۱- «وَسَّرُوهُ بَيْنَ يَدَيْهِمْ».

۲- «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأْتِمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُرْكَعُ بِهِمْ وَلَا يَحْمِلُونَ أُنْفُسَهُمْ».

۳- «وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا».



بهبایی اندک معامله نکنید که آن چه (از نعمت ابد) نزد خداست اگر بفهمید بسیار شما را بهتر است (از آن منفعتی که به نقض عهد بیاید)» (نحل/۹۵). همان طور که در آیات مشاهده کردیم دیدیم که در قرآن واژه‌ی «ثمن» به معنای بهای اندک «مال اندک» و «درهم» به کار رفته است و همچنین واژه «حزب» در قرآن به معنی یک هشتم می‌باشد و می‌توان گفت که ثمن می‌تواند مال و یا درهم باشد و همچنین در روایات بسیاری، سخن از طلا و نقره مسکوک به عنوان «دینار» و «درهم» برای تعیین مقدار نصاب برای زکات و وجوب ادای آن به میان آمده است. در روایتی از رسول خدا^۱ (ص) نقل شده است که فرموده‌اند: «ملعون است، ملعون کسی است که دینار و درهم را بپرستد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص: ۲۷۰؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص: ۲۳۱).

دیدگاه‌های فقیهان در مورد ماهیت ثمن (پول)

در اینجا چهار نظریه در مورد ماهیت پول وجود دارد که عبارتند:

۱- پول مثلی است

۲- پول قیمی است

۳- پول نه قیمی و نه مثلی است

۴- پول هم مثلی و هم قیمی است

۱- نظریه مثلی بودن پول

بیشتر فقیهان معتقدند که نقدینه (هرگونه پول) همانند دیگر کالاهای مثلی است که در بدهی‌ها و جبران خسارت‌ها مثل آن به عهده می‌آید (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص: ۹۹؛ حکیم، بی تا، ج ۱، ص: ۱۳۹؛ خمینی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص: ۳۳۳؛ یوسفی، ۱۳۸۱، ص: ۷۴ و ۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص: ۲۳۶؛ مکارم شیرازی، بی تا، ص: ۱۴۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص: ۲۳۶؛ لنکرانی، بی تا، ج ۱، ص: ۲۵۵). در چهار صفاتی که در مورد مثلی گفته شد، تعریف چهارم مورد حمایت محمد کاظم طباطبائی یزدی (یزدی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص: ۹۹) و محسن حکیم (حکیم، بی تا، ج ۱، ص: ۱۳۹) و خمینی (خمینی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص: ۳۳۳؛ خمینی، بی تا، ج ۱، ص: ۶۲۵) قرار گرفته و می‌گویند: اشیای مثلی به اعتبار صفات و ویژگی‌هایی مثلی هستند که میزان رغبت، مالیت و ارزش مبادله‌ای آن، از آن صفات نشأت گرفته باشد. به علاوه مقدار آن ارزش و رغبت در افراد مثلی متفاوت نباشد. با این بیان به خوبی آشکار می‌شود که پول کاغذی امروزی، با توجه به همه صفاتی که در رغبت و مطلوبیت و در نتیجه در مالیت و ارزش مبادله‌ای آن مؤثر است، مال مثلی به حساب می‌آید. زیرا پیدا است که صرف یک کاغذ پاره رنگی که به هیچ کار نمی‌آید، هیچ گونه ارزشی نداشته و آن چه در نظر عرف اهمیت دارد مالیت، ارزش مبادله و قدرت خرید آن است. بنابراین اگر ارزش کاهش پول بین زمان تحقق دین و ادای آن، به گونه‌ای باشد که عرف در برابر آن از خود واکنش نشان دهد، باید قدرت

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ عَبَدَ الدِّينَارَ».

ششمین همایش ملی پژوهش‌ها و نوین در حوزه علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری



خرید حقیقی پول (در یوم القرض) پرداخت شود تا به مقتضای قاعده «المثلی یضمن بالمثل» عمل شود. روشن است که این زیادی و ربا به شمار نمی‌رود (یوسفی، ۱۳۸۱، ص: ۷۴-۸۲).

۲- نظریه قیمی بودن پول

از میان فقیهان تنها کسی که پول را قیمی می‌داند محمد هادی معرفت است که می‌گوید: به عقیده من اساسا پول قیمی است نه مثلی. زیرا آن چه در پول معتبر است مالیت آن است. یعنی ارزش کاربردی و توان خرید آن. مالیت مال، امری اعتباری است و به اعتبار عقلا به هر دوره و زمانی بستگی دارد. فرض کنید یک کیلو برنج از بیست سال پیش تاکنون مالیتی را که عقلا برایش اعتبار کرده‌اند در نوسان بوده است. بیست سال پیش یک کیلو برنج چهار تومان بوده است امروز چهارصد تومان است. این تفاوت مالیت را عرف و عقلا بر اساس قدرت کاربرد برنج به آن داده‌اند. بنابراین چهارصد تومان امروز مساوی همان اعتبار مالیتی است که بیست سال پیش به برنج داده بودند. ولی اگر ثابت نمانده باشد اعتبار جدید باید ملاحظه شود. فرض کنیم، اگر مهریه زنی را در بیست سال پیش صد کیلو برنج قرار داده باشیم امروز هم، همان صد کیلو مالیت خودش را دارد یعنی آن روز چهارصد تومان مالیت داشته، امروز چهل هزار تومان. نمی‌توان گفت چون بیست سال پیش صد کیلو برنج بود، اکنون باید بیشتر باشد چون مالیت اعتباری که همان کاربردش در زندگی انسان‌هاست تفاوتی نکرده است. الان هم همان توانایی بیست سال پیش را دارد. همین طور اگر مهریه را بیست مثقال طلا قرار می‌دادیم. اما اگر مهریه پولی بود که اعتبار محض بود و صرف نظر از اعتبار، هیچ مالیت و کاربردی نداشت، مانند اسکناس، در این جا اگر مهریه زنی بیست سال پیش، بیست هزار تومان بوده است امروز نمی‌توانیم بگوییم مهریه همان بیست هزار تومان است. چون وقتی می‌گوییم اعتبار پول به مالیتش هست یعنی به کاربردی و به قدرت خریدش و توانایی معامله‌ای که دارد، با بیست هزار تومان پول در آن زمان می‌توانستیم خانه‌ای صد متری بخریم ولی امروز این مقدار پول این توانایی و ارزش را ندارد در حقیقت عقلا این ارزش را برایش اعتبار نکرده‌اند. بنابراین بیست هزار تومان امروز از نظر مالیت همانندی با بیست هزار تومان بیست سال پیش را ندارد، پولی باید پرداخت شود که مالیت آن در نظر عقل، به اندازه همان پولی باشد که در مهریه قرار داده شده بود. نتیجه فقهی که ایشان از قیمی بودن پول می‌گیرند: لزوم جبران قدرت خرید پول قرض داده می‌باشد. آن گاه بر اساس این مبنا در ماهیت پول نتیجه می‌گیرد که جبران کاهش ارزش پول در دیون و روابط مالی واجب است (معرفت، ۱۳۷۵، ص: ۱۴-۱۸).

نقد و بررسی

اولا- پیش از این بیان شد که انواع پول‌ها مثلی هستند نه قیمی.

ثانیا- اگر بپذیریم که پول‌های فعلی قیمی هستند نتیجه آن به هیچ وجه و جوب جبران کاهش ارزش پول نمی‌باشد؛ زیرا در این صورت پول هم مثل سایر کالاهای قیمی هنگام ادای دین باید قیمت آن را به واحد - مثلا - ریال اندازه گیری و پرداخت کرد. این که کدام قیمت باید پرداخت شود دیدگاه‌های فقهی، مختلف است. دو دیدگاه مشخص در این مساله عبارت است از: قیمت یوم الادا و دیگری قیمت یوم الدفع.

۳- نظریه مثلی و قیمی نبودن پول

ششمین همایش ملی پژوهش‌ها و نوین در حوزه علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری



طرفداران این نظریه مسأله مثلی و قیمی، که فقها مطرح کرده‌اند اساس درستی ندارد. این که اگر مال مثلی باشد و تلف شود، تلف کننده باید مثل آن را به صاحبش برگرداند و اگر قیمی باشد، قیمت آن را و استدلال به «أقرب إلى التالف» کرده اند. اقرب الی التالف، در مثلی مثل و در قیمی، قیمت است؛ در فقه شیعه و هم‌چنین در آیات و روایات چنین چیزی نیست که تلف کننده در مثلی، ضامن مثل و در قیمی، ضامن قیمت است. بلکه ملاک عرف است. باید ببینیم اگر مالی تلف شد، عرف در مقابل آن مال، چه چیزی را لازم می‌بیند که پرداخت شود. به عنوان مثال فرض کنیم خانه‌ای را که در آن اشیاء متعدد بوده، هم اموال قیمی و هم اموال مثلی (به اصطلاح آقایان)، و این خانه آتش می‌گیرد. وقتی که برای آن خسارت تعیین می‌کنند، همه را با پول تعیین می‌کنند؛ می‌گویند این مقدار از اموال اعم از مثلی و قیمی در این منزل بوده است و شما آن را آتش زدید؛ پول آن را بدهید. بنابراین چون کلمه مثلی و قیمی در روایات وارد نشده و موضوع حکم شرعی نیستند، ما نمی‌توانیم آن‌ها را در فقه ملاک و مناط احکام قرار دهیم (مرعشی، ۱۳۷۵، ش ۷).

نقد و بررسی:

این نظریه اخیراً شهرت یافته و در بسیاری از همایش‌های اقتصادی مطرح شده است، در مورد نظر اول با ایشان موافق هستیم، ولی در مورد سه نظر بعدی تردید جدی وجود دارد:

اولاً- هیچ فقیهی در بحث از ضابطه مثلی و قیمی در اموال، قایل به تفصیل بین مال اعتباری و غیر اعتباری نشده است ثانیاً- هر چند شاید بتوان گفت که اصل ارزش در پول‌های کاغذی، اعتباری است، اما مقدار و تغییرات ارزش در پول‌های کاغذی همانند سایر کالاها تابع عرضه و تقاضا و عوامل دیگر اقتصادی است و هیچ دلیلی وجود ندارد که پول‌های کاغذی از گستره ضابطه مثلی و قیمی خارج باشد. چنان که پیش از این گذشت پول‌های جاری، مال مثلی هستند.

ثالثاً- مطلب چهارم (پول تنها نشانه قدرت خرید است) اگر پذیرفته شود بدین معناست که پول‌های کاغذی نه مال دارای قدرت خرید است و نه عین قدرت خرید، بلکه تنها چیزی است که نشانه قدرت خرید است. این مطلب نه تنها واجد معنای مشخصی نیست؛ با مطلب اول هم در ناسازگاری است؛ زیرا چنین تعریفی، پول را از ویژگی مال بودن خارج می‌کند و جنبه سندیت به آن می‌دهد که هیچ‌گونه ارزشی ندارد و تنها مسندالیه آن واجد ارزش می‌باشد (هاشمی، بی‌تا، ج ۳۱، ص: ۷۲).

۴- نظریه مثلی و قیمی بودن پول :

براساس این دیدگاه پول در طول زمان از اموال قیمی است نه مثلی، پول در عصر حاضر با این فرض که در گذر زمان به صورت مستمر و دائمی ارزش اقتصادی آن در حال کاهش است نمی‌تواند مثلی تلقی شود. البته در یک زمان واحد پول، مثلی است و به صورت طولی، مالی قیمی است، ولی به صورت عرضی، مال مثلی است (همان، ص: ۱۶۵-۱۶۶). به عبارتی دیگر، صفاتی که اختلاف آن‌ها «مال» را قیمی می‌کند لازم نیست همیشه از نوع صفات فیزیکی یعنی رنگ و حجم و سنگینی و امثال آن باشد، بلکه ممکن است از نوع دیگری مانند اختلاف مکان و اختلاف زمان باشد؛ چه بسا دو خانه با یک طرح و یک مساحت و یک نوع مواد ساختمانی و ...، به جهت اختلاف مکان مثلاً در شمال و جنوب شهر بودن دو قیمت مختلف داشته باشند، و احياناً اختلاف فاحش با فرض آن که از لحاظ صفات فیزیکی از هر جهت متساوی هستند. افراد «مختلف القیمه»

ششمین همایش ملی پژوهش‌ها و نوین در حوزه علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری



یک مال لازم نیست همیشه در عرض یکدیگر باشند، بلکه گاهی ممکن است در طول یکدیگر باشند و به علت اختلاف زمان، افراد آن اختلاف قیمت پیدا کنند؛ مثلاً یک مال در دو زمان مختلف به جهت اختلاف سطح عرضه و تقاضا دو قیمت متفاوت پیدا می‌کند و این اختلاف به جهت اختلاف زمان است. مثل میوه نوبر با همان میوه در وقت وفور آن. مانعی ندارد که افراد عرضی یک مال مثلی باشند و افراد طولی آن قیمی (هاشمی، بی تا، ج ۷، ص: ۲۲). با ملاحظه این توضیح می‌توان گفت پول گاهی مثلی است و از مقوله مثلیات؛ و گاهی قیمی است و از مقوله قیمیات؛ و هر دو معنی در مورد پول صدق می‌کند. افراد طولی پول را در صورتی که زمان، نسبتاً طولانی باشد و اختلاف ارزش (قدرت خرید آن)، فاحش باشد و از نظر عرف قابل اغماض نباشد، قیمی به حساب آورد؛ گرچه افراد عرضی آن مثلی باشد (أصفی، ۱۳۷۵، ص: ۲۲).

نقد و بررسی

در مورد پول‌های جاری قدرت خرید و مالیت آن، تمام هستی و قوام آن‌هاست و به حسب قدرت خرید، مثلی محسوب می‌شود (همان). وقتی در فاصله زمانی طولانی، بر اثر تورم، ارزش و قدرت خرید حقیقی آن به شدت کاهش پیدا می‌کند، نقص و خسارت جدی می‌بیند و هنگام ادای دین، به حسب قدرت خرید حقیقی آن، مثلی محسوب می‌شود، اما همان قدرت خرید هنگام ادای دین - که تمام هستی و قوام پول به آن است - نسبت به قدرت خرید زمان تحقق دین مثلی محسوب نمی‌شود. به تعبیر دیگر، مصداق تعدّر مثلی خواهد بود. به عنوان مثال - با فرض این که بپذیریم تمام قوام و هستی پول‌های جاری قدرت خرید و ارزش مبادله آن است - اگر تورم در جامعه شدید باشد، یک اسکناس ۱۰۰۰ تومانی ده سال قبل همانند اسکناس ۱۰۰۰ تومانی ده سال بعد نمی‌باشد و این مورد از موارد تعدّر مثلی است و برای آن که ادای دین شود و ذمه مدیون بری گردد باید قیمت اسکناس ۱۰۰۰ تومانی ده سال قبل داده شود. مطلب فوق، هم در پول و هم در سایر اموال یکسان است و مال در عرض، مثلی و در طول زمان، قیمی است.

بنابراین اگر مقصود صاحبان این نظریه، تعدّر مثلی باشد، بر فرض صحیح بودن آن ممکن است این نظریه راهی برای جواز جبران کاهش ارزش پول باشد، و گرنه این نظریه معنای مورد قبولی پیدا نمی‌کند و مشکل حکم جبران کاهش ارزش پول هم‌چنان به قوت خود باقی خواهد ماند (هاشمی، بی تا، ج ۳۱، ص: ۷۴-۷۵).

این مطلب که پول امروزی از مثلیات باشد مسلم نیست. اگر هم پول را از مثلیات به شمار آوریم، دخالت ندادن قدرت خرید پول امروزی در مثلی بودن آن قابل انتقاد است. در تعریفی که از کالای مثلی به عمل آمده، مثلی آن است که افراد آن دارای ویژگی‌هایی باشند که میزان رغبت مردم به افراد آن و قیمت افرادش به واسطه‌ی آن ویژگی‌ها اختلاف نیابد. هر چیزی که غالباً این‌گونه باشد نه در موارد نادر، آن شیء مثلی است و این مطلب به حسب زمان‌ها، مکان‌ها و کیفیت‌ها اختلاف می‌یابد (طباطبایی، بی تا، ص: ۹۹؛ حکیم، بی تا، ص: ۱۳۹؛ یوسفی، ۱۳۸۱، ص: ۲۱۴). روشن است که تغییر مالیت و قدرت خرید پول در میزان رغبت مردم به آن تأثیر جدی دارد. نظر دیگری وجود دارد که می‌گوید: پول از اموال مثلی است لکن مثل آن صرفاً همان ورق و قیمت ظاهری آن نمی‌باشد، بلکه هر چیزی که قیمت واقعی آن را بیان نماید، مثل پول خواهد بود (صدر، ۱۴۱۰، ص: ۲۰۰). به هر تقدیر، با توجه به ماهیت پول‌های امروزی و این که تمام ارزش و اعتبار آن مربوط به قدرت خرید آن است و بدون آن درحد یک کاغذ نقاشی شده تنزل پیدا می‌کند، مثلی به شمار آوردن آن بدون در نظر داشتن قدرت خرید دور از



واقعیت است. در نتیجه، اگر هم بپذیریم که پول امروزی مثلی است، قدرت خرید آن در مثلیت دخیل است (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵، ص: ۱۵۱).

روشن تر شدن ماهیت مثلی یا قیمی بودن پول

پول‌های اعتباری به حسب ارزش مبادله‌ای حقیقی (قدرت خرید حقیقی) مثلی می‌باشند و ما برای روشن تر شدن ماهیت پول، به بررسی پول از نگاه تاریخ و تعریف پول می‌پردازیم.

الف- مثلی بودن پول براساس نگاه تاریخی

در جوامع ابتدایی به جای استفاده از پول در معاملات، دادوستد به صورت پایاپای، یعنی تبادل کالا یا خدمت با کالا یا خدمت دیگر انجام می‌گرفت. اما این نوع معامله معایبی داشت که از مهم‌ترین آن‌ها فقدان معیار همگانی برای سنجش ارزش کالاها بود. لذا برای غلبه بر مشکلات اقتصاد تهاتری، در هریک از جوامع، کالایی به عنوان پول انتخاب شد که نوع آن به تناسب شرایط جغرافیایی و اقتصادی جوامع، متفاوت بود؛ پس از چندی و در تکامل پول کالایی، پول فلزی، به ویژه از طلا و نقره، پدید آمد و رایج شد. از دلایل عمده‌ی انتخاب این فلزات به عنوان پول عبارت بودند از: یک شکل بودن و سهولت در استاندارد شدن؛ در نهایت پول‌های اعتباری با همان امتیازات ولی حتی بدون ارزش ذاتی پدید آمد. پول‌هایی که سرچشمه‌ی شایستگی و خوش‌آیندی و گرایش به آن‌ها از نظر عرف و عقلا فقط ارزش مبادله‌ای آن‌ها بود و اگر ارزش مبادله‌ای از آن گرفته می‌شد، آن‌گاه فقط یک کاغذ پاره رنگی بوده و شماره‌های باقی مانده روی آن برای عرف و عقلا هیچ گونه شایستگی و خوش‌آیندی نمی‌داشت (میرجیلی، بی تا، ص: ۷۹۶).

ب- مثلی بودن پول بر اساس تعریف مال مثلی

با توجه به تعریف مثلی که بیان شد در صفاتی که اشیا به حسب آن صفات، مثل هم محسوب می‌شوند، هیچ‌گونه تفاوت و تمایزی وجود نداشت، و صفات شبیه در اشیای مختلف، اعم از صفات نسبی و ذاتی اگر به نحوی باشند که رغبت افراد به آن‌ها یکسان باشد و در نتیجه در نظر عرف در ارزش و مالیت تفاوت نداشته باشند، مثلی محسوب می‌شوند، وگرنه قیمی هستند. پول کاغذی امروزی، با همه‌ی صفاتی که دخیل در رغبت و مطلوبیت و در نتیجه در مالیت و ارزش مبادله‌ای آن مؤثر باشد، مثلی محسوب می‌شود و همه می‌دانند که صرف یک کاغذ پاره رنگی که برای هیچ کاری مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، هیچ‌گونه ارزشی ندارد و آن‌چه در نظر عرف اهمیت دارد، مالیت، ارزش مبادله و قدرت خرید آن است. بنابراین نه این که تمام پول‌های کاغذی ۱۰۰۰ تومانی مثل هم می‌باشند، بلکه هر قطعه اسکناس ۱۰۰۰ تومانی دقیقاً با ده قطعه اسکناس ۱۰۰ تومانی نیز مثل هم می‌باشند؛ مگر این که ده قطعه اسکناس‌های ۱۰۰ تومانی از نظر مطلوبیت با یک عدد اسکناس ۱۰۰۰ تومانی تفاوت پیدا کند، که در این صورت نمی‌شود گفت مثل هم هستند؛ ولی این تفاوت در نظر عرف- به نحوی که غیر قابل اغماض باشد- به

ششمین همایش ملی پژوهش‌ها و نوین در حوزه علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری



شدت مورد تردید است. شاهد واضح و قاطع بر مثل هم بودن هر قطعه اسکناس ۱۰۰۰ تومانی با دو قطعه اسکناس ۵۰۰ تومانی این است که هر روز هزاران نفر، پول‌های درشت، مثل ۱۰۰۰ تومانی را با پول‌های دیگر معاوضه می‌کنند، و به تعبیر عرفی پول را خرد می‌کنند؛ بدون آن که تفاوتی بین پول درشت و خرد ملاحظه کنند. در حالی که در نظر عرف نه خرید و فروشی صورت گرفته و نه معامله دیگری؛ بلکه عرف این عمل را به عنوان خرید و فروش لغو دانسته و آن را فقط معاوضه و رد و بدل کردن دو ارزش مبادله‌ای مساوی در دو شیء می‌شمارد که با صرف نظر از آن ارزش مبادله، آن دو شیء هیچ‌گونه ارزشی ندارند. بنابر آن چه در تعریف مثلی و تحلیل بالا گذشت، می‌توان اظهار داشت که از نظر عرف و عقلا پول کاغذی و اسکناس به اعتبار ارزش مبادله‌ای مثلی است؛ چه این که ارزش مبادله‌ای آن را صفت نسبی بدانیم و یا صفت ذاتی. بنابراین وقتی از این منظر به پول می‌نگریم، به نظر می‌آید در طول یک سال (به عنوان مثال) اگر ارزش مبادله‌ای پول دچار کاهش خفیفی گردد، یعنی سطح عمومی قیمت‌ها مثلاً در حد دو درصد (۲٪) در کشوری همانند ایران افزایش یابد و جامعه با تورمی برابر دو درصد مواجه گردد، عرف و عقلا این مقدار تغییرات در ارزش مبادله‌ای را موجب تفاوت نمی‌دانند و یک اسکناس ۱۰۰۰ تومانی را در پایان یک سال - با شرایط بالا - مثل اسکناس ۱۰۰۰ تومانی ابتدای همان سال می‌بینند. اما اگر در طول یک سال سطح عمومی قیمت‌ها ۵۰ درصد افزایش یابد، یعنی از ارزش مبادله‌ای پول ۵۰٪ کاسته گردد، آن‌گاه عرف و عقلا یک اسکناس ۱۰۰۰ تومانی را در پایان یک سال، مانند اسکناس ۱۰۰۰ تومانی ابتدای همان سال نمی‌شمارند. بنابراین پول اعتباری امروزی به حسب ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید، مثلی می‌باشد (یوسفی، ۱۳۷۶، ص: ۱۶۶-۱۷۹).

نتیجه

عنوان مثلی و قیمی دو اصطلاح عرفی هستند و از شرع گرفته نشده است. با توجه به معنای واژه «مثل» که به معنای شبیه و نظیر بودن در اندازه، جنس، اوصاف می‌باشد و واژه «قیمت» چیزی است که بر عکس معنای «مثل» می‌باشد و به معنای متفاوت بودن در اجزاء می‌باشد. پول در اثر گذر زمان ماهیتش تغییر پیدا می‌کند و برای این که بتوان ماهیت ثابتی برای پول در نظر گرفت، به بیان نظریاتی که در مورد ماهیت پول وجود دارد پرداخته شد. برای ماهیت پول نظریات متفاوتی وجود داشت که برخی می‌گفتند پول مثلی است، برخی بر این نظر بودند که پول قیمی است و برخی دیگر معتقد بودند که ماهیت پول نه مثلی و نه قیمی و اما گروه آخر که معتقد بودند که ماهیت پول هم مثلی است و هم قیمی است. نتیجه‌ای که از این نظرات به دست آمد این بود که ماهیت پول مثلی است و برای روشن‌تر شدن این نظریه، پول از نگاه تاریخ و بر اساس تعریفی مثلی بودن مورد بررسی قرار گرفت و روشن شد که پول به لحاظ قدرت خرید و ارزش اسمی مثلی می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، عوالی اللئالی العزیزیه، دار سید الشهداء للنشر، قم، ۱۴۰۵.

ششمین ہمایش ملے پڑو ہش ہاے نوین در حوزہ ے علوم انسانے، اقتصاد و حسابدارے



۳. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزہ علمیه قم، قم، ۱۴۱۰.
۴. ابن برآج، عبد العزیز، المہذب، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزہ علمیه قم، قم، ۱۴۰۶.
۵. ابن زہرہ، حمزہ بن علی، غنیہ النزوع الی علمی الاصول و الفروع، مؤسسۃ الإمام الصادق علیہ السلام، قم، ۱۴۱۷.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴.
۷. احمدوند، معروف علی، مروری بر ماہیت شناسی پول و دیدگاہ فقیہان، بی جا، ۱۳۸۲.